

تبیین و تعریف علل اجتماعی بی‌ثباتی سیاسی با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی

عابد اکبری^۱ و مجتبی اشرفی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۱۵

چکیده

در این مقاله سعی شده است علت‌های اجتماعی بی‌ثباتی سیاسی با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی شناسایی شود. باتوجه به این که در علوم اجتماعی از یک سو، اغلب تئوری‌ها جنبه تعلیلی دارند و به دنبال علت پدیده‌های اجتماعی هستند و از سوی دیگر شناسایی علت پدیده‌های اجتماعی از طریق آزمون‌های همبستگی آماری میسر نیست، لذا برای غلبه بر این مشکل روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی برای شناسایی علت پدیده‌های اجتماعی در سال ۲۰۰۸ مطرح شد. در این روش که ریشه‌های کیفی دارد، علت لازم و علت کافی برای بروز پدیده اجتماعی آزمون می‌شود. باتوجه به این که برای بی‌ثباتی سیاسی علت‌های مختلفی ذکر شده است که اغلب آن‌ها ریشه در توسعه و تضادهای اجتماعی دارند، در این مقاله تلاش شده است که علت‌های اجتماعی بی‌ثباتی سیاسی شناسایی شوند. بدین منظور ابتدا طیف گسترده‌ای از متغیرهای اجتماعی مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی از تئوری‌های علوم اجتماعی احصاء شده، سپس این متغیرها در یک مطالعه بین‌کشوری با مقایسه ۱۸۳ کشور جهان تحت آزمون تجربی قرار گرفته و علت‌های اجتماعی بی‌ثباتی سیاسی شناسایی شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که در بین ۳۱ متغیر اجتماعی، چهار متغیر جهانی شدن اجتماعی، ناکارآمدی حکومت، امید کمتر به زندگی و سختی انجام کسب و کار علت‌های ایجاد بی‌ثباتی سیاسی هستند.

کلید واژه‌ها: بی‌ثباتی سیاسی، توسعه و تضاد، تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی، علت لازم، علت کافی.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): اکبری، عابد و مجتبی اشرفی (۱۳۹۷، زمستان). «علل اجتماعی بی‌ثباتی سیاسی». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال اول، شماره چهارم. صص ۵۹۶-۵۷۱.

^۱ استادیار تاریخ ایران معاصر، اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه، شیراز، ایران. abedakbari@hotmail.com

^۲ استادیار تاریخ ایران معاصر، اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه، شیراز، ایران. Engcac@gmail.com

۱. مقدمه

ثبات و پایداری همواره یکی از مهم‌ترین اهداف حاکمان است و رهبران سیاسی همه کشورها گرایش دارند که نظام سیاسی خود را جاودانه نمایند. اندیشمندان سیاسی نیز همواره نخستین هدف سیاست را برقراری ثبات و پیشگیری از کنش اعتراضی خشونت‌آمیز به منظور رویارویی با اقتدار حکومتی می‌دانند. آمارهای موجود نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سیاسی در طول چند دهه گذشته افزایش یافته است. به‌عنوان مثال، از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی نسبت کشورهای که جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند از ۷ درصد به ۲۸ درصد افزایش یافته است و از سال ۱۹۴۵ میلادی تا سال ۲۰۰۵ بیش از ۱۴۰ جنگ داخلی در سرتاسر جهان باعث کشته شدن بیست میلیون نفر و آوارگی هفتاد میلیون نفر شده است (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶: ۵۵). هم‌چنان که تدرابرت گار^۱ نیز معتقد است «پس از جنگ جهانی دوم تاکنون، اقدامات خشونت‌آمیز برای برانداختن حکومت‌ها در سطح جهان شایع‌تر از انتخابات سراسری بوده است» (گار، ۱۳۷۶: ۲۴).

با آنکه همواره افرادی وجود دارند که علیه زمامداران خود شورش می‌کنند و تاریخ سیاسی بشر، برای همه نسل‌ها جنگ‌های داخلی، انقلاب‌ها، شورش‌ها، ترورها، اعتصابات و تظاهرات مسالمت‌آمیز را ثبت کرده است؛ لکن وضعیت کشورهای مختلف از حیث ثبات سیاسی به صورت چشمگیری متفاوت است. در برخی از کشورهای جهان سوم، اعتراضات مردمی به سرعت شکل آشوب به خود می‌گیرد، در صورتی که در پاره‌ای از کشورهای غربی این نوع وقایع نادر بوده و کشمکش‌های داخلی به راه‌های مسالمت‌آمیز هدایت می‌شود. با توجه به این‌که در تئوری‌های علوم اجتماعی برای بی‌ثباتی سیاسی علت‌های مختلفی ذکر شده است که بسیاری از آن‌ها متغیرهای اجتماعی هستند، اصلی‌ترین سؤال این پژوهش معطوف به شناسایی علت‌های اجتماعی بی‌ثباتی سیاسی است. با توجه به اکتشافی بودن پژوهش، فرضیه‌ای برای پاسخ به سؤال تحقیق در نظر گرفته نشده و فرضیه‌های علت لازم و علت کافی برای بی‌ثباتی سیاسی در خلال پژوهش تولید و آزمون می‌شود.

در این پژوهش یکی از معتبرترین و جدیدترین روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی به‌کارگیری می‌شود که «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی»^۲ نام دارد. در حقیقت نوع آوری این پژوهش وابسته به روش تحقیق است و برای اولین بار در ایران و جهان علت‌های بی‌ثباتی سیاسی از طریق این روش مطالعه می‌شود. بدین منظور ابتدا تلاش می‌شود با بررسی مطالعات و نظریه‌های علوم اجتماعی، طیف گسترده‌ای از متغیرهای اجتماعی مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی شناسایی شود. سپس متغیرهای شناسایی شده در یک مدل جهانی با استفاده از روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» تحت آزمون تجربی قرار گرفته و علت‌های اصلی بی‌ثباتی سیاسی در یک مطالعه بین‌کشوری با مقایسه ۱۸۳ کشور جهان شناسایی می‌شود. به کمک این روش ترکیباتی از متغیرهای اجتماعی شناسایی می‌شود

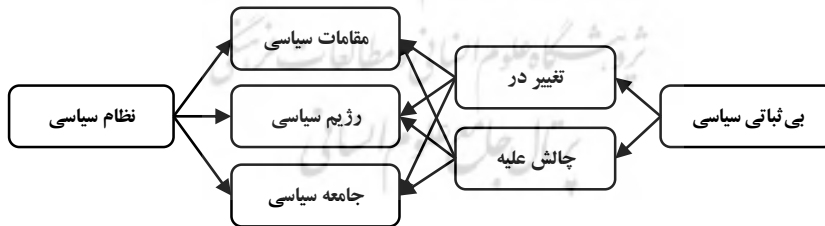
1. Ted Robert Gurr

2. Fuzzy-Set Qualitative Comparative Analysis (FsQCA)

که شرط لازم یا کافی برای ایجاد بی‌ثباتی سیاسی هستند. زیرا در این روش بر شناخت ترکیبات علی مختلفی تأکید می‌شود که پدیده اجتماعی خاصی را به وجود می‌آورند.

در تشریح مفهوم بی‌ثباتی سیاسی، باید اذعان داشت که اندیشمندان و نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی تعاریف گوناگونی از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی ارائه داده‌اند. تنوع و گوناگونی این تعاریف از یک سو معلول اختلاف در رویکرد آن‌ها نسبت به مسئله ثبات بوده و از سوی دیگر معلول شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف است. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان ثبات می‌توان به دیوید ساندرز^۱ اشاره کرد. به اعتقاد ساندرز تعریف مطلوب از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی باید از تفکیک سطحی ثبات و بی‌ثباتی احتراز کرده و آن را یک پدیده‌ی مستمر و نسبی بداند. هم‌چنین آن تعریف باید نشان بدهد که چگونه سطح بی‌ثباتی در یک کشور با گذشت زمان تغییر می‌کند، لذا واحدهای زمانی به کار رفته در تحلیل باید بر پایه‌ی «وضعیت‌های سیاسی» کوتاه مدت باشد. ضمن این‌که باید انواع متفاوتی از بی‌ثباتی سیاسی را بپذیرد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

به عقیده ساندرز، ثبات سیاسی به معنی فقدان نسبی برخی از حوادث سیاسی بی‌ثبات کننده است که به صورت ایجاد تغییر یا چالش در هر یک از ابعاد نظام سیاسی بروز می‌کند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱). ساندرز با استفاده از تعریف دیوید ایستون از ابعاد نظام سیاسی، شش نوع بی‌ثباتی سیاسی را تصور می‌کند که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۲۱). نظام سیاسی مد نظر ایستون سه بُعد اساسی داشت: مقامات سیاسی که مراد از آن حکومت است؛ رژیم سیاسی که منظور از آن قواعد حقوقی حاکم بر حل مناقشات در درون نظام است؛ و جامعه سیاسی که شامل گروهی از افراد است که بر پایه تقسیم کار سیاسی با هم مرتبط هستند.



شکل شماره ۱: انواع بی‌ثباتی سیاسی

در تعریف ساندرز، ثبات سیاسی پدیده‌ای پیچیده است که وقوع آن مستلزم فراهم آمدن تمام علت‌ها و ملزومات در فرآیند تغییرات سیاسی و اجتماعی است ولی بالعکس بی‌ثباتی سیاسی پدیده‌ای ساده و طبیعی است که با رخ داد هر یک از عوامل بی‌ثبات کننده، دامن‌گیر جوامع انسانی می‌گردد. در ادامه مکانیزم برقراری ثبات سیاسی در هر جامعه توصیف می‌شود.

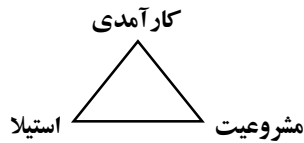
^۱. David Sanders

چارلز لیندبلاد، یکی از چهره‌های برجسته‌ی علوم سیاسی آمریکا، حل رابطه‌ی میان حکمرانان و مردم را از سه روش اجبار، مبادله و اقتاع ممکن می‌داند (پراتکانیس و آرنسون، ۱۳۸۰: ۷). برخی از نظام‌ها، برای ایجاد و حفظ ثبات سیاسی به شناسایی و سرکوب علت‌های فاعلی بی‌ثباتی سیاسی پرداخته و ثبات را از طریق اجبار به‌وجود می‌آورند. برخی دیگر تلاش خود را بر بهبود کارکرد دولت متمرکز کرده و ثبات سیاسی از طریق مبادله‌ی حق حکومت و رفع نیازها ایجاد می‌شود. بعضی از نظام‌ها نیز برای اقتاع اهمیت بسزایی در هدایت افکار عمومی برای اقدام سیاسی قائل شده و نقش برجسته‌ای برای تغییر نگرش شهروندان در حوزه سیاست ایفا می‌نمایند. بدیهی است که نوع خالص هر یک از اقدامات فوق در یک نظام یافت نمی‌شود بلکه هر رژیم سیاسی، ارزش‌های مختلفی برای هر اقدام در راهبردهای خود در نظر می‌گیرد. با ترکیب راه‌حل‌های سه‌گانه چارلز لیندبلاد، می‌توان مکانیزم ایجاد ثبات سیاسی را توصیف کرد.

همه مردم از تمام حکومت‌ها انتظار دارند که نیازهای آن‌ها را برطرف نماید. نیازهای جامعه را می‌توان به صورت طیفی در نظر گرفت که از نیازهای زیستی مانند خوردن و آشامیدن شروع شده و با نیازهای ایمنی مانند پوشاک و مسکن ادامه یافته و به نیازهای روانی مانند شکوفایی و عزت نفس ختم می‌شود. در صورتی که حکومت موفق به برآوردن نیازهای مطرح شده توسط جامعه باشد، راه حل «مبادله» لیندبلاد صورت گرفته و نارضایتی در جامعه ایجاد نمی‌شود.

در این مقاله، این شرایط به‌عنوان «کارآمدی» حکومت تعبیر شده است. بدیهی است که هیچ حکومتی نمی‌تواند به صورت مطلق تمام نیازهای اتباع خود را پاسخ دهد. حال اگر سطح کارکرد حکومت از سطح نیازهای اتباع عقب ماند، نارضایتی ایجاد می‌شود که می‌تواند به صورت بی‌ثباتی ظهور کرده یا توسط عوامل دیگر خنثی شود. یکی از عواملی که می‌تواند نارضایتی را خنثی نماید، راه‌حل «اجبار» لیندبلاد است. در این شرایط اجبار حکومت به میزانی است که اتباع با وجود نارضایتی، شهامت و جسارت ابراز آن را ندارند و ثبات سیاسی مبتنی بر ترس مردم ایجاد می‌شود. در این پژوهش این شرایط به‌عنوان «استیلا» حکومت تعبیر شده است.

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند نارضایتی را خنثی نماید، مبتنی بر راه‌حل «اقتاع» لیندبلاد است. یعنی مکانیسمی که اتباع را قانع می‌کند که شرایط حکومت مستقر را نه از روی اجبار بلکه از روی رغبت و علاقه بپذیرند. در ادبیات علوم سیاسی این شرایط به «مشروعیت» حکومت تعبیر می‌شود. بنابراین ثبات سیاسی حالتی است که یک یا دو و یا هر سه شرط فوق به نسبت‌های مختلف برقرار باشد. این شروط را می‌توان در مثلی مانند شکل دو ترسیم کرد که ثبات سیاسی نقطه‌ای درون مثلث بوده و میزان فواصل آن از هر یک از شروط خالص مشخص است.



شکل شماره ۲: مثلث ثبات

در این پژوهش، آن دسته از متغیرهای اجتماعی شناسایی می‌شوند که بر کارآمدی حکومت تأثیر گذاشته و ثبات سیاسی را از طریق مبادله به وجود می‌آورند. البته این تأثیرگذاری از نوع علت و معلولی است که در اغلب پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است. در مجموع می‌توان ادعا کرد که ادبیات موجود فاقد فرمول‌های تجربی استوار در خصوص علت‌های بی‌ثباتی سیاسی است.

۲. روش تحقیق

در این پژوهش برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق و برای شناسایی علت‌های اجتماعی بی‌ثباتی سیاسی از روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی»^۱ استفاده می‌شود که نوع جدیدی از روش مقایسه‌ای است. بسیاری از دانشمندان معتقدند که مقایسه در قلب فرآیند استدلال انسان قرار دارد و اندیشیدن بدون انجام عملیات مقایسه توسط ذهن انسان ممکن نیست. مدت مدیدی است که پژوهشگران روش مقایسه را به صورت تجربی مورد استفاده قرار می‌دهند. از ارسطو که احتمالاً بنیان‌گذار روش مقایسه‌ای است تا دوتو کوپل، ماکس وبر و دورکیم همگی مقایسه را به‌عنوان روش تحلیل خود برگزیدند. زیرا در علوم اجتماعی، انجام آزمایش در جریان زندگی واقعی به صورت تجربی ممکن نیست. از این روی محققان روش مقایسه را به‌عنوان جانشینی برای آزمایش تجربی انتخاب کردند. به ویژه مقایسه چند موردی که علاوه بر ایجاد فهم عمیق از موردها^۲ و شناخت پیچیدگی آن‌ها، برخی از اشکال تعمیم را نیز ایجاد می‌کند (Rihoux & Ragin, 2009: xviii). در این پژوهش نیز مطالعه چند موردی برای تعیین علت‌های بی‌ثباتی سیاسی انتخاب شده است و هر یک از کشورهای جهان به‌مثابه یک مورد مطالعه می‌شوند.

بلتر و بلوم انواع روش‌های مورد استفاده در مطالعات موردی^۳ را به سه دسته تقسیم کردند. «تغییرات همزمان»^۴ که در آن تغییرات همزمان دو گزینه رقیب در یک قالب ثابت مورد بررسی قرار

1. Fuzzy-Set Qualitative Comparative Analysis (FsQCA)

2. cases

3. case study

4. Co-Variational

می‌گیرد. «ردیابی فرآیند علی»^۱ که بر آشکار کردن برهم‌کنش‌های فاکتورهای علی تأکید دارد. «تحلیل هم‌خوانی»^۲ که در آن قدرت و توانایی یک نظریه برای توصیف یا فهم یک پدیده سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (blatter & blume, 2008: 316). با وجود اینکه «ردیابی فرآیند علی» تنها به‌عنوان یکی از روش‌های مطالعات موردی معرفی شده است، اما بسیاری از دانشمندان معتقدند که تبیین پدیده‌های اجتماعی از اهداف عمده و وظایف اصلی علوم اجتماعی است و عبارت از تعیین علت‌های آن پدیده است (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۲-۴).

بلتر و بلوم «ردیابی فرآیند علی» در علوم سیاسی را به سه نوع تقسیم کردند. «مثال‌ها»^۳ که مقصود از آن مطالعات دانشمندانی چون تدا اسکاچپول در خصوص انقلاب‌های اجتماعی است؛ «مکانیسم‌های علی»^۴ که نشان می‌دهند یک علت با چه مراحل میانجی یک معلول را ایجاد می‌کند؛ و «شاکله‌های علی»^۵ به مجموع ترکیبات علی اطلاق می‌شود که در کنار هم پدیده‌های اجتماعی را ایجاد می‌نمایند (blatter & blume, 2008: 321-323). در این پژوهش از تبیین «شاکله‌های علی» برای شناسایی علت‌های بی‌ثباتی سیاسی استفاده می‌شود. چارلز راگین^۶ روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» را در قالب «شاکله‌های علی» در سال ۲۰۰۸ مطرح کرد و تحولی قابل توجه در روش مقایسه‌ای علوم اجتماعی به وجود آورد. ایشان راه‌حل‌های سودمندی برای گریز از محدودیت‌های روش سنتی مقایسه پیش نهاد که مهم‌ترین آن دشوار بودن سنجش اثرات حاصل از تعامل متغیرها بود.

راگین در روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» اذعان کرد که از یک سو ترکیبات علی متفاوت می‌توانند به یک پدیده‌ی اجتماعی واحد منجر شوند و از سوی دیگر، در پدیده‌های اجتماعی به سختی می‌توان یک علت را به‌عنوان شرط لازم و کافی یافت. یعنی در جهان اجتماعی، هر یک از علت‌ها به تنهایی شرط لازم یا کافی برای ظهور یک پدیده نیستند بلکه شاکله‌های علی می‌توانند منجر به ظهور یک پدیده شوند. یک شاکله ترکیب خاصی از فاکتورها (یا محرک‌ها، متغیرهای علی، عناصر سازنده، عوامل تعیین کننده یا دترمینان‌ها و ...) است که نتیجه یا معلول دلخواه را به وجود می‌آورد. مهم‌ترین عملیات در تبیین شاکله‌های علی یافتن علت لازم^۷ و یا کافی^۸ و یا هم لازم و هم کافی است. علت لازم شرطی است که هنگام حضور معلول همیشه وجود دارد. به عبارت دیگر، معلول در غیاب علت لازم هیچ‌گاه مشاهده نمی‌شود؛ اما یک علت کافی شرطی است که هنگام حضور علت، معلول رخ دهد. البته ممکن است معلول در حضور علت‌های دیگر هم رخ دهد. این

1. causal process tracing

2. congruence analysis

3. examples

4. causal mechanism

5. causal configuration

6. Charles C. Ragin

7. necessary

8. sufficient

استدلال‌های راگین با ادعای هامرسلی^۱ که «تئوری اساساً عبارت از بیان شرط لازم و کافی است» مطابقت دارد (Rihoux & Ragin, 2009: xix).

راگین مهم‌ترین گزاره خود را برای تبیین پدیده‌های اجتماعی بدین صورت اعلام کرد که در ترکیبات پیچیده‌ی علی، هر علت بخش ناکافی، ولی لازم از ترکیبی نالازم ولی کافی برای ایجاد یک پدیده اجتماعی است (Ragin, 2008). یعنی از یک سو ترکیبات علی مختلفی می‌توانند یک پدیده اجتماعی مانند بی‌ثباتی سیاسی را ایجاد کنند و از سوی دیگر وجود یک علت شاید برای بروز بی‌ثباتی سیاسی لازم باشد، اما کافی نیست و باید با علت‌های دیگر ترکیب شود تا یک شرط کافی به وجود آید.

در روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی، ادعاهای علی بر مبنای روابط مجموعه‌های فازی^۲ توسعه می‌یابند. در تئوری کلاسیک مجموعه‌ها، یک مجموعه همانند یک متغیر دو حالتی با دو ارزش «درون مجموعه یا ۱» و «بیرون از مجموعه یا ۰» در نظر گرفته می‌شود. در مقابل، یک مجموعه فازی امکان عضویت در فواصل میان ۰ تا ۱ را می‌دهد و ارزش‌های اعشاری میان ۰ تا ۱ نشان دهنده عضویت ناقص یا جزئی موردها به مقوله تحلیلی تحت مطالعه‌اند. هر چه اعداد به ۱ نزدیک‌تر باشند، بیانگر عضویت بیشتر در مجموعه و اعداد نزدیک به ۰ بیانگر کمترین عضویت در مجموعه است. نمره میانی ۰.۵ نیز یک ارزش کیفی است و نقطه عطف فازی نامیده می‌شود. این نمره نشان دهنده حداکثر ابهام است زیرا در ارزیابی کیفی نمی‌توان با قطعیت آن مورد خاص را بیشتر در درون مجموعه هدف و یا خارج از مجموعه هدف در نظر گرفت (Ragin, 2009: 89-90). در این پژوهش برخلاف برخی از تئوری‌ها در خصوص بی‌ثباتی سیاسی که روایت دو ارزشی از نظم سیاسی (بائبات یا بی‌بائبات) ارائه می‌دهند، فرض شده است که بی‌ثباتی سیاسی حقیقتی فازی داشته به صورت نسبی درجه بنده شده و چیزی بین ۰ و ۱ است.

راگین برای تعیین درجه عضویت در مجموعه از منطق فازی استفاده می‌کند. به عقیده ایشان مقیاس‌های اسمی، فاصله‌ای و نسبی را می‌توان به کمک یک سیستم ریاضی به درجه عضویت فازی تبدیل کرد. ضمن اینکه در مجموعه‌های فازی می‌توان هر دو نوع متغیر کمی و کیفی را ترکیب کرد (Ragin, 2008: 30). البته نتایج سنجش فازی متغیرها و نمرات تخصیص داده شده به موردها همانند نمرات موجود در مقیاس‌های فاصله‌ای یا نسبی در تحلیل‌های کمی متعارف نیست، زیرا با استفاده از مجموعه‌های فازی ممکن است برخی موردها بر اساس درجه عضویتشان در یک مقوله تحلیلی، به‌طور مشابه و یکسان عضو کامل آن مقوله محسوب شوند در حالی که همان موردها بر حسب یک مقیاس فاصله‌ای یا نسبی نمرات متفاوتی دریافت می‌کنند (Ragin, 2009: 92). برای مثال سه کشور نروژ، آمریکا و ژاپن عضوهای کامل مجموعه کشورهای ثروتمند

1. Hammersley

2. Fuzzy Sets

محسوب می‌شوند و همگی نمره یکسان ۱ دریافت می‌کنند، در صورتی که این سه کشور سطوح متفاوتی از متغیر ثروت در یک مقیاس فاصله‌ای را دارند.

یک متغیر فازی را می‌توان متغیر پیوسته‌ای دانست که به‌طور هدفمند، برای نشان دادن درجه عضویت در یک مجموعه درجه‌بندی شده‌است. بر اساس منطق مجموعه‌های فازی، هم شروط علی لازم و کافی و هم معلول می‌توانند بر حسب درجه یا سطوح تغییر کنند. راگین برای تعیین نمرات عضویت فازی، دو روش کیفی مستقیم و غیرمستقیم را پیشنهاد کرده است (Ragin, 2009: 93).

برای درجه‌بندی میزان عضویت در یک مجموعه به روش غیر مستقیم^۱، پژوهشگر بر مبنای دانش محتوایی و نظری خود از مقوله تحلیلی و شناخت مضمونی و تجربی از تک تک موارد، اقدام به درجه‌بندی میزان عضویت می‌کند. مطلوب است که درجه‌بندی عضویت، بر اساس دانش نظری دانشمندان علوم اجتماعی انجام شود. برای درجه‌بندی به روش غیر مستقیم، ابتدا محقق نقاط گسست یا حالت‌های کیفی را با استفاده از قیود تشدید کننده در زبان محاوره‌ای تعیین می‌کند؛ سپس هر یک از موارد را بر اساس دانش نظری خود از مقوله‌ی تحلیلی مورد نظر ارزیابی می‌کند. به عنوان نمونه میزان عضویت می‌تواند یکی از شش حالت کیفی در جدول شماره‌ی ۱ باشد (Ragin, 2008: 94).

جدول: میزان عضویت فازی

نمره عضویت فازی	زبان محاوره‌ای
۱۰۰	عضویت کامل در مجموعه هدف
۰۰۸	بیشتر عضو مجموعه هدف اما نه به صورت کامل
۰۰۶	کم و بیش عضو مجموعه هدف
۰۰۴	کم و بیش غیر عضو مجموعه هدف
۰۰۲	بیشتر غیر عضو مجموعه هدف اما نه به صورت کامل
۰۰۰	فقدان عضویت کامل در مجموعه هدف

راگین برای تبدیل مقیاس‌های فاصله‌ای و نسبی به درجه عضویت فازی روش مستقیم^۲ را پیشنهاد کرد. در روش مستقیم ابتدا محقق برای داده‌های فاصله‌ای سه نقطه‌ی برش کیفی^۳ تعیین می‌کند؛ سپس با استفاده از یک تابع ریاضی، متغیر پیوسته به متغیر فازی تبدیل می‌شود. سه نقطه‌ی برش کیفی مورد نظر راگین شامل آستانه‌ی عضویت کامل، آستانه‌ی عدم عضویت کامل و نقطه گذر^۴ است. نقطه گذر یا نقطه عطف فازی دارای حداکثر ابهام است و به قطعیت نمی‌توان گفت که

1. The Indirect Method of Calibration

2. The Direct Method of Calibration

3. Qualitative Anchors

4. Crossover point

یک مورد خاص بیش‌تر عضو مجموعه است یا غیر عضو در مجموعه هدف. بنابراین نقطه گذر، موردهایی را که عضویت بیش‌تری در مجموعه‌ی هدف دارند از موردهایی که بیش‌تر غیر عضو در مجموعه هدف محسوب می‌شوند جدا می‌کند (Ragin, 2008: 90). بدیهی است که رویه‌های مورد استفاده محقق برای تعیین نقاط برش کیفی می‌تواند مورد ارزیابی و نقد سایرین قرار گیرد.

راگین برای تبدیل متغیر فاصله‌ای به درجه عضویت فازی فرمول شماره ۱ را پیشنهاد کرده است که در این فرمول m برابر است با میزان عضویت فازی در مجموعه هدف و $\exp(\log \text{ odds})$ دلالت دارد بر عدد نپر به توان لگاریتم میزان احتمال وقوع (Ragin, 2008: 91).

$$m = \frac{\exp(\log \text{ odds})}{[1 + \exp(\log \text{ odds})]} = \frac{\exp(l)}{1 + \exp(l)} = \frac{e^l}{1 + e^l}$$

فرمول شماره ۱: تبدیل متغیر فاصله‌ای به درجه عضویت فازی

راگین برای کشف علت‌های لازم برای معلول، سنجه‌های سازگاری^۱ و شمول^۲ روابط مجموعه‌ها را ارزیابی می‌کند. سازگاری و شمول مقیاس‌های توصیفی ساده‌ای هستند که برای ارزیابی قابلیت حمایت تجربی موردها از فرضیه‌ها به کار می‌روند. نمره سازگاری تعداد موردهایی را می‌سنجد که از ترکیب معینی از علت‌ها که منجر به معلول مورد نظر می‌شوند حمایت تجربی می‌کنند. به عبارت دیگر، نرخ سازگاری بر نحوه تسهیم موردها در ترکیبات علی دلالت دارد. در مقابل نمره شمول در تئوری مجموعه‌های فازی، درجه‌ای را می‌سنجد که یک علت یا ترکیب علی ممکن است منجر به معلول خاص شود. البته وقتی چندین مسیر برای بروز یک معلول وجود داشته باشد، نمره شمول هر ترکیب علی معین ممکن است کوچک باشد. بنابراین، نمره شمول فقط رابطه تجربی یا اهمیت را می‌سنجد (Ragin, 2008: 44).

مقادیر سازگاری با معناداری برآوردهای همبستگی^۳ در آزمون فرضیه‌های آماری قابل مقایسه است (Woodside, 2010: 383). راگین برای اندازه‌گیری نمره سازگاری از فرمول شماره ۲ استفاده می‌کند که در آن عبارت \min دلالت بر انتخاب کوچک‌ترین مقدار شرط علی (X_i) و معلول (Y_i) دارد (Ragin, 2008: 52).

1. Consistency

2. Coverage

3. Correlation

$$\text{Consistency } (x_i \leq y_i) = \sum[\min(x_i, y_i)] / \sum(x_i)$$

فرمول شماره ۲: اندازه گیری نمره سازگاری

اما شمول که شبیه توان^۱ در آمار کلاسیک است، به رابطه یا اهمیت تجربی یک ارتباط در تئوری زیرمجموعه‌ها دلالت دارد (Ragin, 2008: 45). نمره شمول تنها اهمیت تجربی دارد و فاقد ارزش تئوریک است. راگین برای اندازه گیری نمره شمول از فرمول شماره ۳ استفاده می‌کند که در آن عبارت min بر انتخاب کوچک‌ترین مقدار شرط علی (x_i) و معلول (y_i) دلالت دارد.

$$\text{Coverage } (x_i \leq y_i) = \sum[\min(x_i, y_i)] / \sum(y_i)$$

فرمول شماره ۳: اندازه گیری نمره شمول

هنگامی که نمره شمول کوچک است، اثر محدود شرط علی بر پیامد قابل اغماض است. بنابراین شمول بسیار کم به مفهوم فقدان ارتباط تجربی و بی‌معنی بودن شرط لازم است (Ragin, 2008: 61). به عقیده راگین اگر نمرات سازگاری بیش‌تر از ۰.۷۵ باشد و نمرات سازگاری بزرگ‌تر از نمرات شمول باشد، دلالت بر مفید بودن رابطه دارد؛ اما در حالت ایده آل باید نمرات سازگاری بالاتر از ۰.۹ باشند تا محقق با اطمینان از معناداری علت لازم سخن گوید (Woodside, 2010: 384).

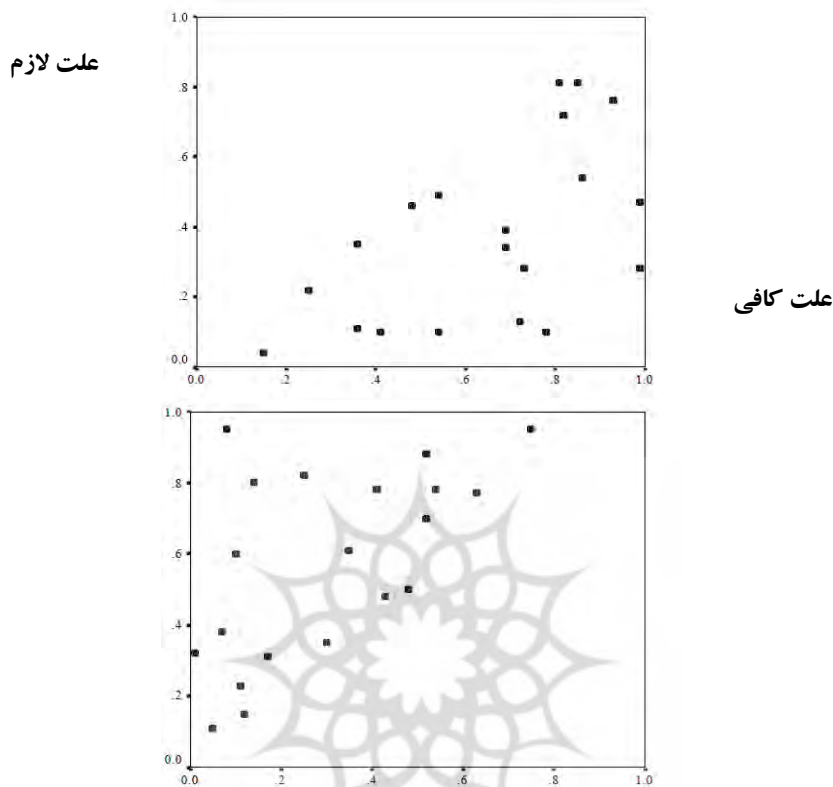
راگین برای کشف علت‌های کافی از جدول صحت^۲ استفاده می‌کند. در این جدول ترکیبات ممکن منطقی از شروط علی لیست شده و نتایج تجربی ناشی از هر شاکله ارائه می‌شود. یعنی ترکیبات متنوعی از شروط علی را مقایسه می‌کند تا نشان دهد که کدامیک از آن‌ها نتایج یکسانی در پی دارد. در حقیقت، هدف اصلی تحلیل جدول صحت، ارائه تشخیص صریح و روشن از ارتباطات میان ترکیبات شروط علی و معلول به محقق است (Ragin, 2008: 23-24).

راگین برای آزمون فرضیات علت‌های لازم و کافی به روش فازی، از نمودار پراکنش موردها استفاده می‌کند. بر اساس پیشنهاد راگین یک فرضیه‌ی علت لازم هنگامی تأیید می‌شود که نمرات عضویت فازی معلول کمتر یا مساوی با نمرات عضویت فازی عامل علی باشد. به عبارت دیگر، پراکنده‌گی تجربی موردها باید به شکل مثلی دیده شوند که همه نقاط آن زیر قطر اصلی نمودار قرار گیرند. هم‌چنین یک فرضیه‌ی علت کافی هنگامی تأیید می‌شود که نمرات عضویت فازی عامل علی کمتر یا مساوی با نمرات عضویت فازی معلول باشد؛ اما در این‌جا پراکنده‌گی تجربی موردها باید

1. strength

2. Truth Table

به شكل مثلثى دیده شوند که همه نقاط آن بالای قطر اصلى نمودار پراکنش قرار گیرند. نمونه‌ای از نمودارهای پراکنش در شكل شماره ۳ آورده شده است (Ragin, Drass, & Sean, 2008: 72-74).



شكل شماره ۳: نمودارهای پراکنش کيس‌ها

بدیهی است محققان تنها زمانی می‌توانند مدعی شوند که شواهد موجود از استدلال علی‌شان که به صورت فرضیه شرط لازم و كافی است حمایت می‌کند که به دو الگوی فوق دست یابند. همچنان که در نمودارهای فوق مشخص است، در شرط كافی، مجموعه علت‌ها زیرمجموعه‌ای از مجموعه معلول‌ها و در شرط لازم، مجموعه معلول‌ها زیرمجموعه‌ای از مجموعه علت‌ها است.

راگین معتقد است محققین به کمک این روش نه تنها می‌توانند فرضیه‌های خود را که از تئوری‌های موجود اخذ کرده‌اند مورد آزمون قرار دهند، بلکه با لیست کردن شروط مختلف، می‌توانند ترکیباتی را که به لحاظ منطقی ممکن هستند اما در تئوری‌ها انعکاس نیافته‌اند مورد آزمون تجربی قرار دهند (Ragin, 2008: 25). با توجه به توضیحات فوق، در این پژوهش تلاش می‌شود علت‌های اجتماعى بى‌ثباتى سياسى و یا به عبارت دیگر ترکیبات علی مختلفی که شرط لازم یا كافی برای بروز بى‌ثباتى سياسى هستند در مطالعه بین‌کشوری شناسایی شوند.

۳. یافته‌ها

در این تحقیق بی‌ثباتی سیاسی^۱ به‌عنوان متغیر وابسته تعریف شده است که اثر سایر متغیرها بر آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مراد از بی‌ثباتی سیاسی بروز رفتارهای خشن با انگیزه‌های سیاسی و تغییر در نوع حکومت و مقامات حکومتی است. برای تعریف متغیر بی‌ثباتی سیاسی بر اساس نظریه ساندرز (ساندرز، ۱۳۸۰، ص. ۱۳۷)، از داده‌های سری زمانی جمع‌آوری شده توسط آرتور بنکس (Banks A. , 2011) در دانشگاه نیویورک استفاده شد. برای محاسبه بی‌ثباتی سیاسی، میزان وقوع هر شاخص در فاصله زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ در وزن آن ضرب شده و میانگین آن‌ها به‌عنوان میزان بی‌ثباتی سیاسی منظور شد. مزیت و ارزش این شاخص برای بی‌ثباتی سیاسی، خام بودن آن است. یعنی برای اندازه‌گیری بی‌ثباتی سیاسی، شاخص‌های دیگری مانند سطح دموکراسی، تنوع نژادی، سطح نابرابری و مواردی از این دست را در نظر نمی‌گیرد. تعریف هر یک از شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی و وزن آن‌ها به‌صورت ذیل است:

۱. کودتا (۲۰): تعداد تغییرات در سران رژیم یا حوزه نفوذ آن‌ها در ساختار قدرت ملی به روش‌های اجباری یا خلاف قانون اساسی.
۲. تغییر قانون اساسی (۵): تعداد تغییرات اصلی در ساختار قانون اساسی کشور که شامل تغییر در هنجارهای رژیم، تغییر در نوع نظام حزبی و تغییر در وضعیت نظامی- غیر نظامی کشور است.
۳. تغییر کابینه (۳): تغییر رئیس دولت یا نیمی از وزرا در یک سال.
۴. تغییر مقامات اجرایی (۳): هرگونه تغییر عمده در رأس هرم نخبگان حکومتی به ویژه مقامات اجرایی در یک سال.
۵. ترور (۵): هرگونه قتل یا سوء قصد به جان یک مقام عالی‌رتبه‌ی سیاسی یا یک سیاست‌مدار یا فعال سیاسی که با انگیزه‌ی سیاسی صورت گرفته باشد.
۶. جنگ چریکی (۱۵): هرگونه فعالیت نظامی یا عملیات مسلحانه، خرابکاری، یا بمب‌گذاری که توسط گروه‌های مستقلی از مردم یا نیروهای نامنظم که به منظور سرنگونی رژیم حاضر صورت می‌پذیرد.
۷. بحران حکومتی (۷): هر وضعیتی که رژیم مستقر را تهدید به سقوط می‌کند و به سرعت در حال گسترش است. به استثنای شورش‌هایی که با قصد براندازی نظام صورت می‌گیرند.
۸. شورش (۲۰): هرگونه تظاهرات خشونت‌بار یا برخورد و درگیری‌های جمعی میان بیش از یک‌صد نفر که دربردارنده‌ی استفاده‌ی فیزیکی از زور باشد.

۱. Political Instability ⇒ (ins)

۹. حرکت‌های انقلابی (۱۵): هر تلاشی که برای تغییر اجباری و غیرقانونی نخبگان حکومتی صورت می‌گیرد و یا هر شورش مسلحانه که هدف آن استقلال از دولت مرکزی است.
۱۰. تظاهرات ضد حکومتی (۳): هرگونه تجمع عمومی مسالمت‌آمیز حداقل یک‌صد نفر، که هدف اولیه‌ی آن نمایش یا ابراز مخالفت با سیاست‌های حکومتی یا مقامات مسئول باشد.
۱۱. اعتصاب عمومی (۲): اعتصاب هزار نفری و بالاتر کارکنان بخش صنعت و خدمات که با بیش از یک کارفرما درگیر باشند و هدف آن اعتراض به صاحبان اقتدار سیاسی یا تصمیمات و خط مشی‌های حکومتی باشد.
۱۲. پاک‌سازی سیاسی (۲): هر نوع حذف مخالفان سیاسی به وسیله اعدام یا زندانی کردن آن‌ها (Banks A. S., 2011: 11-15).

پس از تولید متغیر فاصله‌ای بی‌ثباتی سیاسی، لازم است آن را به متغیر فازی بی‌ثباتی سیاسی تبدیل کرد. در متغیر فاصله‌ای بی‌ثباتی سیاسی نمرات به دست آمده در میان ۱۸۳ کشور جهان از ۳۸ تا ۰ متغیر است و میانگین نمرات هم ۳٫۸ است. برای آستانه عضویت کامل در مجموعه کشورهای بی‌ثبات عدد ۱۵ در نظر گرفته شده که بر این اساس به ترتیب کشورهای کلمبیا، افغانستان، عراق، سودان، فیلیپین، نیجریه، و سومالی در این مقوله قرار گرفتند. نقطه گذر عدد ۱ تعیین شد و بر اساس آن کشورهای اردن و گامبیا به‌عنوان کشورهایی مشخص شدند که در مرز ثبات و بی‌ثباتی قرار دارند. برای آستانه عدم عضویت کامل هم عدد ۰٫۱۵ در نظر گرفته شد و مجموعه کشورهای باثبات مشخص شدند که به ترتیب شامل قبرس، ساموآ، قطر، عمان، کره شمالی، سوئیس، پورتوریکو، هنگ کنگ، فنلاند، اریتره، باربادوس و لوکزامبورگ می‌باشند. در این پژوهش متغیر بی‌ثباتی سیاسی با علامت اختصاری (ins) نشان داده می‌شود.

در ادامه‌ی این بخش تلاش می‌شود مهم‌ترین تبیین‌های علی که در جامعه‌شناسی برای ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی معرفی شده است مورد بررسی قرار گرفته و از نتایج آن برای شناسایی و تعریف متغیرهای عملیاتی استفاده شود. پیش‌فرض اساسی بسیاری از تئوری‌های مربوط به بی‌ثباتی سیاسی این است که برخی از شکل‌های نارضایتی که به واسطه فقدان تعادل‌های ساختاری و کارکردی در سیستم اجتماعی ایجاد می‌شوند، خود را به صورت خشونت و بی‌ثباتی سیاسی بروز می‌دهند.

محرومیت نسبی: تئوری‌هایی که ریشه‌های ظهور خشونت و بی‌ثباتی سیاسی را در انواع مختلف نارضایتی می‌دانند به سنت دورکیمی در جامعه‌شناسی وابسته هستند و در کارهای جانسون، هانتینگتون، رابرت گار و گارودوال مشاهده می‌شوند. در این رویکردها تغییر اجتماعی سریع و شتابان، بی‌ثبات کننده تلقی شده و از طریق مکانیسم‌های روانشناسی اجتماعی معینی که «محرومیت نسبی» یا «سرخوردگی» نامیده می‌شوند، موجب جنبش‌های اعتراضی می‌گردد. در واقع

رفتار سیاسی خشونت‌آمیز مردم نتیجه نارضایتی و نارضایتی محصول محرومیت نسبی آنان است. تد رابرت گار^۱، نظریه محرومیت نسبی را با تکمیل نظریه انتظارات فزاینده و منحنی دیویس مطرح کرد. در این تئوری، محرومیت نسبی محک احساس نارضایتی مؤثر جامعه در تحولات اجتماعی محسوب می‌شود. به نظر گار، این نارضایتی عمدتاً حاصل شکاف غیرقابل تحملی است میان «آنچه فرد دارد» و «آنچه تصور می‌کند» استحقاق داشتن آن را دارد و مایل است که داشته باشد». برای ایجاد احساس محرومیت نسبی در جامعه، دو شرط لازم و کافی با عنوان «ادراک نابرابری» و «ارزیابی نابرابری» باید وجود داشته باشد. «ادراک نابرابری» یعنی این‌که ادراک ذهنی و ارزیابی ذهنی نابرابری در جامعه برای پیدایش احساس محرومیت نسبی بیش از وجود نابرابری واقعی و عینی در جامعه اهمیت دارد؛ زیرا تا وقتی که مردم از نابرابری بی‌خبر باشند، از آن ناراحت نمی‌شوند. ادراک نابرابری نیز تابع دو عامل است. یکی قدرت و توانایی درک و دیگری امکان درک که ناشی از امکان مشاهده و امکان کسب اطلاعات است. شرط دوم با عنوان «ارزیابی نابرابری» بدین معنی است که احساس محرومیت نسبی وقتی به وجود می‌آید که انسان‌ها خود را با دیگران مقایسه کنند. توسعه آموزش می‌تواند به افزایش امکان ارزیابی نابرابری کمک کند (سیف‌زاده و گلیپاگانی، ۱۳۸۸: ۲۴۹-۲۵۵).

آنومی اجتماعی: در نظر دورکیم، آنومی نه به معنای «بی‌هنجاری» بلکه به معنای «عدم التزام به قواعد اخلاقی» مهم‌ترین علت بی‌ثباتی سیاسی است. به نظر دورکیم، تنها قواعد اخلاقی می‌توانند بر شهوات سیری‌ناپذیر بشر لگام بزنند و آن‌را مهار کنند و بالعکس فساد اخلاقی به معنای آنومی است. دورکیم معتقد است، برای این‌که افراد در جامعه رفتار اخلاقی داشته باشند، وجود قواعد کافی نیست بلکه قواعد باید درست و عادلانه باشند. از این روی عدالت است که جامعه جدید را گرد هم نگه می‌دارد و نه وفاق هنجارها. به نظر دورکیم، همچنان که اقوام گذشته به ایمانی مشترک نیاز داشتند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند، اقوام دنیای کنونی به عدالت نیازمندند. از نظر او، وظیفه‌ی دولت نه برقراری نظم اجتماعی، بلکه برقراری و حفظ عدالت است (رجب‌زاده و کوثری، ۱۳۸۲: ۳۲۳-۳۲۹).

تنوع قومی و مذهبی: در جامعه‌ای که گروه‌های مختلف اجتماعی با فرهنگ‌های مختلف و منزلت‌های اجتماعی متعارض وجود دارند، می‌توان شاهد بروز بی‌ثباتی‌های سیاسی بود که متأثر از ناهمخوانی‌ها، تفاوت‌ها، تبعیضات و ستم‌هایی است که در روند تاریخی و در روابط اجتماعی گروه‌های اجتماعی و قومی با یکدیگر و با ساخت اجتماعی حاکم تجلی پیدا می‌کند. گروه‌های اجتماعی مختلف با تکیه بر ارزش‌ها و باورهای مشترکشان و با هویتی مستقل از هویت سایر گروه‌ها در صدد حفظ و احیای حقوق از دست رفته‌ی خود برآمده و به بی‌ثباتی‌های سیاسی شکل می‌بخشند (ازغندی، ۱۳۸۵: ۲۱۵). البته در کشورهایی که دولت ملی شکل گرفته و سیستم دولت به

^۱. Ted Robert Gurr

مثابه يك كل يکپارچه بوده و روابط مبتنى بر برابرى است، نمى‌توان انتظار داشت که اين عامل به عنوان منشأ بى‌ثباتى عمل کند.

آزادى رسانه: برخى از پژوهش‌گران ارتباط مثبت و معنى‌دارى بين رسانه‌هاى آزاد و ثبات سياسى مشاهده کرده‌اند (Armah & Adu Amoah, 2010: 56). زيرا آن‌ها فشار درونى و بيرونى بر حکومت‌هاى متبوع خود وارد مى‌کنند تا به گونه‌اى عمل کنند که بهترين اميال شهروندان به جاي منافع حاکمان برآورده شود (Pal, 2011: 18). برخى از کشورهاى جهان سوم با کنترل تمام عيار رسانه‌ها در پى تحصيل و استمرار ثبات سياسى خود هستند. به عقیده ژوفرى ريبوس^۱ استراتژى اين کشورها غلط است که ثبات را در نبود هرگونه نقد و ارزيابى و تبعيت محض شهروندان از نظام سياسى مى‌دانند (افتخارى، ۱۳۸۱: ۸۹). به نظر مى‌رسد رسانه ابزار حساسى است و مى‌تواند کاربردهاى متعدد و حتى متعارضى در خصوص ثبات سياسى داشته باشد؛ هم مى‌تواند به‌مثابه يك ابزار در خدمت منازعه و بى‌ثباتى عمل کند و هم مى‌تواند به ابزاري برای کمک به حل منازعه و تحکيم ثبات تبديل شود.

در نتيجه‌ى تحقيقات بسيارى که برای تعيين همبستگى متغيرهاى اجتماعى و بى‌ثباتى سياسى انجام شده است، برخى از متغيرهاى اجتماعى تأثيرگذار بر بى‌ثباتى سياسى شناسايى شدند. از جمله آن‌ها مى‌توان به متغيرهايى مانند: نابرابرى، چند دستگى قومى و نژادى (طايفه گرایی)، رشد شهر نشينى (Blanco & Grier, 2009: 76)، نرخ اشتغال، اميد به زندگى، رشد نرخ ثبت نام در مدارس، تعداد کاربران استفاده کننده از اينترنت (Xu T., 2011: 12)، کارآمدى اجتماعى، نرخ مرگ و مير نوزادان (Marshall & Cole, 2011: 36-37)، کمبود آب سالم و غذا، نرخ بالای رشد جمعيت، جمعيت بسيار جوان يا کهن سال، بيمارى‌هاى واگيردار، مخاطرات زيست محيطى، مهاجرت توده‌اى يا پناهنده گى، شکايت گروهى، مهاجرت به خارج کشور و فرار مغزها، فقر، کاهش خدمات عمومى دولت (The Fund for Peace, 2011: 5)، ضريب جينى، ميزان خطوط تلفن، بيکارى، ميزان نيروى کار زنان، دسترسى به آب و فاضلاب بهداشتى (Carment, 2010: 74-77) اشاره کرد.

در اين پژوهش طيف گسترده‌اى از متغيرهاى مستقل که بر اساس مباني نظرى يا مطالعات تجربى بر بى‌ثباتى سياسى تأثيرگذار هستند به همراه متغيرهاى مشابه آن‌ها مورد ارزيابى تجربى قرار مى‌گيرد. داده‌هاى سرى زمانى که برای اندازه‌گيرى متغيرهاى مستقل استفاده شده است، از پايگاه‌هاى اطلاعاتى مؤسساتى مانند بانک جهانى (World Bank, 2012) و مؤسسات وابسته (Kaufmann, Kraay, & Mastruzzi, 2012)، سازمان ملل متحد (United Nations, 2011)، وزارت خارجه آمريکا (United States Department of State, 2012) و دانشگاه‌هايى مانند کاليفرنيا - (Alesina, Devleeschauwer, Easterly, & Kurlat, 2003)، زوريخ (Dreher, 2012) و وينگهامتون

¹. Geoffrey Reeves

(Cingranelli & Richards, 2011) جمع‌آوری شده است. در این بخش هیچ متغیری تولید نشده و فقط تأثیر ۳۱ متغیر موجود که با روش‌های مختلف تولید شده‌اند، بر بی‌ثباتی سیاسی سنجیده می‌شود. برای هر متغیر، مقدار متوسط آن در فاصله زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ مورد توجه قرار گرفته است. نام متغیرها و کد تعریف شده برای آن‌ها در جدول شماره ۲ ذکر شده است.

جدول شماره ۲: متغیرهای اجتماعی مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی

کد	نام متغیر	کد	نام متغیر
ltc	نرخ باسوادی	qge	کارآمدی حکومت
sep	ثبت نام در مدارس ابتدایی	frc	چند دستگی نژادی و مذهبی
stj	مقالات علمی و فنی	equ	ضرب جینی
tru	اعتماد اجتماعی	wrr	حقوق کارگران
gls	جهانی شدن اجتماعی	edb	سهولت انجام کسب و کار
tel	خطوط تلفن	emp	بیکاری
htp	کاربران اینترنت	fod	تولید غذا
ihp	میزان قتل عمد	nur	شیوع سوء تغذیه
mig	میزان مهاجرین	lif	امید به زندگی
nmg	میزان مهاجرت	hex	میزان هزینه های بهداشتی
pop	رشد جمعیت	hfc	هزینه مصرف خانوار
urb	رشد جمعیت شهری	isf	دسترسی به فاضلاب بهداشتی
mar	سن ازدواج	iws	دسترسی به آب بهداشتی
yth	تورم جوانان	imr	مرگ و میر نوزادان
trf	قاچاق انسان	oda	دریافت کمک های رسمی و قانونی
		pvr	جمعیت فقیر

پس از تولید داده‌های فاصله‌ای برای ۳۱ متغیر مذکور، تلاش شد با استفاده از روش مستقیم، متغیرهای فاصله‌ای به متغیر فازی تبدیل شده و درجه عضویت هر کشور در هر متغیر مشخص شود. برای تعیین نقاط گسست کیفی تلاش شد از تجربیات و رهنمودهای تولیدکنندگان داده‌ها استفاده شده و کم‌تر بر دانش محتوایی و نظری پژوهشگر تکیه شود. تولیدکنندگان داده‌ها برای بسیاری از متغیرها، به نحوی نقاط برش کیفی را مشخص کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به مجموعه کشورهای با درآمد زیاد، متوسط و کم در داده‌های بانک جهانی اشاره کرد. آمار توصیفی و نقاط گسست کیفی ۳۱ متغیر مذکور در پیوست شماره ۱ ذکر شده است.

پس از این که درجه عضویت هر کشور در هر یک از ۳۲ متغیر مختلف (۳۱ علت و ۱ معلول) مشخص شد، لازم است با کمک تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی علت‌های اجتماعی بی‌ثباتی سیاسی مشخص شود. برای این کار تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر بی‌ثباتی سیاسی سنجیده شده و فرضیات علت‌های لازم و کافی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ابتدا سازگاری و شمول ۳۱ متغیر مورد نظر نسبت به بی‌ثباتی سیاسی در نرم‌افزار FsQCA.2.5 مورد آزمون قرار گرفت و نتایج کامل آن در پیوست شماره ۲ ذکر شده است. پنج متغیری که بیش‌ترین سازگاری و شمول را در میان ۳۱ متغیر مورد مطالعه دارند، در جدول شماره ۳ ذکر شده‌اند.

جدول شماره ۳: متغیرهای مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی

تحلیل علت‌های لازم بی‌ثباتی سیاسی				
رتبه	نام متغیر	شمول	سازگاری	کد متغیر
۱	کارآمدی حکومت	0.669704	0.993244	qge
۲	خطوط تلفن	0.747579	0.913007	tel
۳	سهولت انجام کسب و کار	0.581219	0.91201	edb
۴	جهانی شدن اجتماعی	0.754075	0.898649	gls
۵	امید به زندگی	0.804711	0.894426	lif

منظور از کارآمدی حکومت^۱ کیفیت خدمات عمومی ارائه شده به مردم و درجه‌ی استقلال آن‌ها از فشارهای سیاسی است. متغیر خطوط تلفن^۲ میزان دسترسی به خطوط تلفن ثابت به ازای هر ۱۰۰ نفر از جمعیت را نشان می‌دهد. سهولت انجام کسب و کار^۳ نشان دهنده میزان سهولت برای آغاز یک کار یا فعالیت اقتصادی در یک کشور است. متغیر جهانی شدن اجتماعی^۴ میزان عجین شدن یک کشور با دهکده جهانی را نشان می‌دهد. برای سنجش این متغیر از شاخص‌هایی مانند حجم ترافیک تلفن بین‌الملل، حجم ورود و خروج گردشگران بین‌المللی، میزان جمعیت خارجی تبار در کشور، نامه‌های بین‌المللی فرستاده شده، سرانه آدرس ایمیل، سرانه رستوران‌های مک دونالد و مجموع صادرات و واردات روزنامه، مجله و کتاب استفاده می‌شود. متغیر امید به زندگی^۵ متوسط طول عمر افراد یک کشور را نشان می‌دهد. امید به زندگی در بدو تولد نشان می‌دهد که بر اساس الگوهای غالب مرگ و میر در یک کشور، یک نوزاد احتمالاً چند سال پس از تولد زنده خواهد بود.

1. Government Effectiveness ⇒ (qge)
 2. Telephone lines (per 100 people) ⇒ (tel)
 3. Ease of doing business index ⇒ (edb)
 4. Social Globalization ⇒ (gls)
 5. Life expectancy at birth, total (years) ⇒ (lif)

البته منظور از شرط لازم در این جا این است که هر یک از متغیرهای مذکور، بخش لازم اما ناکافی از ترکیبی کافی اما نالازم برای بی‌ثباتی سیاسی را تشکیل می‌دهند. یعنی هر یک از علت‌ها شرط لازم برای یکی از ترکیباتی هستند که منجر به بی‌ثباتی سیاسی می‌شوند.

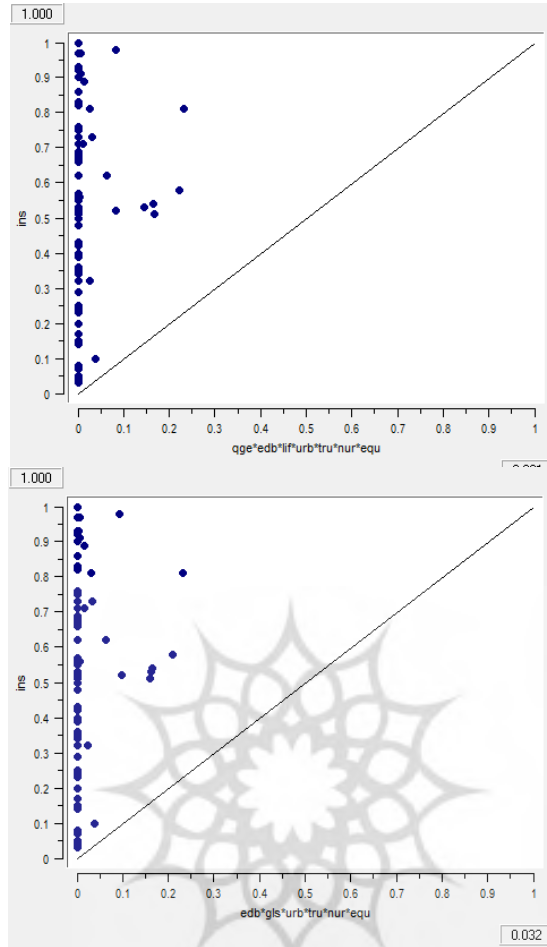
برای یافتن ترکیبات علی که شرط کافی برای بی‌ثباتی سیاسی هستند از ابزار کلیدی جدول صحت^۱ استفاده شد. برای این کار ۳۱ متغیر مستقل در جدول صحت قرار داده شد و از میلیون‌ها ترکیب علی که به صورت منطقی ممکن بودند، ۱۹۲ ترکیب علی شناسایی شد که برای بی‌ثباتی سیاسی شرط کافی هستند. مطابق انتظار، متغیرهایی که دارای بیش‌ترین نمره سازگاری بودند، در ترکیبات شروط کافی هم بیش‌ترین سهم را داشتند. برخی از ترکیبات علی که شرط کافی برای بی‌ثباتی سیاسی هستند، در جدول شماره ۴ ذکر شده‌اند.

جدول شماره ۴: تحلیل شرط کافی بی‌ثباتی سیاسی

terms	consistency	coverage	combined
qge*edb*lif*urb*tru*nur*equ	0.981308	0.097222	0.382918
edb*gl*s*urb*tru*nur*equ	0.981308	0.097222	0.363739
edb*lif*urb*tru*nur*equ	0.981308	0.097222	0.363739
edb*urb*tru*nur*equ	0.981308	0.097222	0.342292
tel*edb*urb*tru*nur*equ	0.981308	0.097222	0.363739
edb*wrr*urb*tru*nur*equ	0.981176	0.096528	0.362871
edb*yth*urb*tru*nur*equ	0.980535	0.093287	0.358764
edb*urb*tru*stj*nur*equ	0.980296	0.09213	0.357274
edb*wrr*urb*tru*stj*nur*equ	0.980198	0.091667	0.375481
edb*wrr*urb*tru*equ	0.974948	0.216204	0.446782

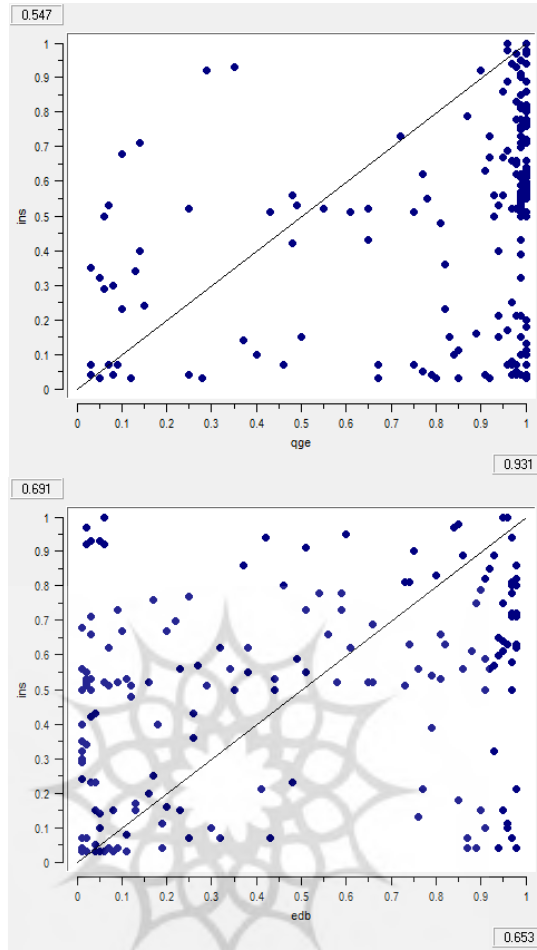
همان‌گونه که ذکر شد مجموع ترکیبات علی که شرط کافی برای بی‌ثباتی سیاسی هستند ۱۹۲ ترکیب است که از مجموع ۳ تا ۹ متغیر تشکیل شده‌اند. بدیهی است بسیاری از این ترکیبات را می‌توان با یکدیگر ادغام و خلاصه کرد که در این پژوهش ضرورتی برای آن احساس نشد. برای نمونه، نمودار پراکنش دو ترکیب علی اول که منجر به ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی می‌شوند در شکل شماره ۴ نشان داده شده است.

^۱. Truth Table



شکل شماره ۴: نمودار پراکنش ترکیبات علی منجر به بی‌ثباتی سیاسی

برای آزمون نحوه اثرگذاری ۳۱ متغیر مستقل بر بی‌ثباتی سیاسی، نمودار پراکنش موردها برای هر متغیر ترسیم شد و بر اساس نتایج به دست آمده هیچ‌یک از متغیرها به تنهایی شرط لازم یا کافی برای بی‌ثباتی سیاسی نبودند. نمودار دو متغیر کارآمدی حکومت و سهولت انجام کسب و کار که به ترتیب نزدیکی بیش‌تری به علت لازم و علت کافی دارند به صورت شکل شماره ۵ است.



شکل شماره ۵: نمودار پراکنش متغیرهای کارآمدی حکومت و سهولت انجام کسب و کار

۴. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که ناکارآمدی حکومت در ارائه خدمات عمومی به مردم و رفع نیازهای آن‌ها یکی از شروط بی‌ثباتی سیاسی است. به ویژه در عصر کنونی که مشروعیت دولت‌ها به کارآمدی آن‌ها پیوند خورده است و روش‌های جبری قادر به کنترل توده‌ها نیست، هرگونه نقص در کارآمدی، خود را به صورت بی‌ثباتی سیاسی بروز خواهد داد. یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند کارآمدی حکومت‌ها را به خوبی نشان دهد، متوسط طول عمر مردم کشور است که به خوبی بیانگر سطح رفاه اجتماعی و خدمات بهداشتی است. شاخص دیگر سهولت کسب و کار است و کارآمدی حکومت در ایجاد زمینه‌های فعالیت اقتصادی را نشان می‌دهد. این دو شرط برای برقراری ثبات سیاسی ضروری هستند.

با توجه به این که دو متغیر خطوط تلفن و جهانی شدن اجتماعی اشتراکات بسیاری با هم دارند و گسترش خطوط تلفن، یکی از شاخص‌های جهانی شدن اجتماعی است؛ لذا شایسته است این دو متغیر با هم ادغام شده و به قول راگین متغیر کلان (۵۰) جهانی شدن ایجاد شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش، افزایش ارتباطات اجتماعی و ادغام بیش‌تر در جامعه دهکده جهانی، یکی از مهم‌ترین علل بی‌ثباتی سیاسی است. زیرا از یک سو سهولت فوق‌العاده در امر اطلاع‌رسانی، دولت‌ها را همواره با فشار افکار عمومی روبرو ساخته و از سوی دیگر جریان بین‌المللی اطلاعات موجب انتقال اخبار و فرهنگ به‌صورت جریانی نامتوازن و نابرابر به‌ویژه در قبال کشورهای جهان سوم شده و به‌عنوان یک تهدید بالقوه برای ثبات این کشورها بروز کرده است.



پیوست‌ها

پیوست شماره ۱: آمار توصیفی متغیرها

Variable	Mean	Std.Dev.	Minimum	Maximum	Calibrate
code	String				
country	String				
ins	3.87605	5.761628	0	38.185	(15,1,0.15)
edb	92.22701	53.64417	1	182.5	(160,100,40)
fod	98.28066	3.701711	84.9	111.8	(105,100,95)
frc	0.423744	0.198479	0.005134	0.84044	(0.6,0.3,0.1)
equ	40.62939	8.999648	24.7	64.3	(50,40,30)
qge	-0.06854	0.989164	-2.1837	2.1956	(2,1,0)
hex	6.368728	2.3889	0.008096	15.684	(10,7,5)
hfc	66.76578	17.74491	15.451	125.43	(80,65,50)
isf	69.01054	30.67972	8.3333	100	(95,80,50)
iws	84.11333	17.65521	25.667	100	(98,85,55)
iho	10.13186	12.02251	0.3	60.119	(20,10,1)
mig	7.821673	12.30433	0.045584	80.233	(20,5,1)
htp	20.65318	21.94976	0	83.692	(50,20,5)
lif	67.76971	10.33481	44.378	82.198	(80,75,60)
ltc	80.86716	19.84969	19.032	99.998	(98,88,70)
imr	35.11633	31.32625	2.16	125.99	(50,20,5)
nmg	-0.00929	6.6377	-19.176	65.572	(5,0,-5)
oda	4.87E+08	7.37E+08	-1.8E+08	6.22E+09	(1,0,2,0)
pop	1.524067	1.439379	-0.81025	10.906	(3,1,0)
pvr	40.75046	30.31617	0.06	95.15	(70,40,10)
nur	14.39329	12.91668	5	67.5	(30,20,10)
sep	102.477	14.90075	32.454	142.74	(120,105,90)
stj	39.33157	170.4668	0.001778	2028.7	(100,3,0.3)
gls	47.29093	21.54714	12.307	92.184	(80,60,30)
tru	0.253574	0.149328	0.038	0.74165	(0.5,0.25,0.1)
tel	18.24174	17.92849	0.030539	67.269	(50,25,5)
trf	1.59291	0.670786	0	3	(2.5,1.5,1)
emp	9.807035	7.868479	0.6	59.5	(15,7,3)
urb	2.328782	1.828369	-1.0083	11.001	(5,2,0)
wrr	0.775791	0.565931	0	2	(1.5,1,0.5)
mar	25.90354	3.100126	20.318	34.021	(30,26,23)
yth	4.293716	0.519633	2.3938	5.7388	(5,4.5,4)

پیوست شماره ۲: تحلیل شرط لازم بی‌ثباتی سیاسی

Analysis of Necessary Conditions			
Outcome variable: ins			
Conditions	Consistency	Coverage	نام فارسی
edb	0.91201	0.581219	سهولت انجام کسب و کار
fod	0.841217	0.702893	تولید غذا
frc	0.780406	0.767442	چند دستگی نژادی و مذهبی
equ	0.55701	0.720765	ضریب جینی
qge	0.993244	0.669704	کارآمدی حکومت
hex	0.827703	0.753846	میزان هزینه های بهداشتی
hfc	0.551943	0.783104	هزینه مصرف خانوار
isf	0.601774	0.819436	دسترسی به فاضلاب بهداشتی
iws	0.39696	0.849142	دسترسی به آب بهداشتی
iho	0.474662	0.755376	میزان قتل عمد
mig	0.859375	0.734922	میزان مهاجرین
htp	0.833615	0.780237	کاربران اینترنت
lif	0.894426	0.804711	امید به زندگی
ltc	0.460727	0.793455	نرخ باسوادی
imr	0.705659	0.798375	مرگ و میر نوزادان
nmg	0.853463	0.78577	میزان مهاجرت
oda	0.809544	0.773608	دریافت کمک های رسمی و قانونی
pop	0.608108	0.812183	رشد جمعیت
pvr	0.425254	0.836379	جمعیت فقیر
nur	0.272382	0.766033	شیوع سوء تغذیه
sep	0.633024	0.758987	ثبت نام در مدارس ابتدایی
stj	0.71326	0.741765	مقالات علمی و فنی
gls	0.898649	0.754075	جهانی شدن اجتماعی
tru	0.794342	0.731053	اعتماد اجتماعی
tel	0.913007	0.747579	خطوط تلفن
trf	0.640203	0.797475	قاچاق انسان
emp	0.709882	0.6751	بیکاری
urb	0.584882	0.879924	رشد جمعیت شهری
wrr	0.861487	0.726755	حقوق کارگران
mar	0.39147	0.725352	سن ازدواج
yth	0.864443	0.741667	تورم جوانان

منابع

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). **درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران**. تهران: نشر قومس.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱). **ثبات سیاسی رسانه‌ای، در رسانه‌ها و ثبات سیاسی-اجتماعی ج.ا.ا.** تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پراتکانیس، آتونی و البوت آرنسون (۱۳۸۰). **عصر تبلیغات: استفاده و سوء استفاده روزمره از افقاع**. ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: انتشارات سروش.
- پیران، پرویز (۱۳۸۴، پاییز). «فقر و جنبشهای اجتماعی ایران». **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۱۸، صص ۱-۲۳.
- رجب‌زاده، احمد و مسعود کوثری (۱۳۸۲، مهر). «آنومی سیاسی در ایران». **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۱، صص ۳۲۰-۳۴۲.
- رجب‌زاده، احمد و محمدرضا طالبان (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی (مطالعه‌ای بین کشوری)». **مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس**، شماره ۵۶-۵۷ (سال ۱۵)، صص ۵۳-۹۹.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۹). **توسعه و تضاد**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۷، تابستان). «مدل‌های علی». **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲ (سال ۲)، صص ۱-۱۷.
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰). **الگوهای بی‌ثباتی سیاسی**. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیف زاده، حسین و حسین گلپایگانی (۱۳۸۸). «محروریت نسبی و چرخش رأی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶». **فصلنامه سیاست**، سال ۳ (شماره ۳۹)، صص ۲۴۷-۲۶۶.
- عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷). **منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران**. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گار، تدرابرت (۱۳۷۶). **چرا انسان‌ها شورش می‌کنند**. ترجمه علی مرشدی زاد. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- منوچهری، عباس (۱۳۸۰). **نظریه‌های انقلاب**. تهران: سمت.
- Armah, Stephen E. & Lioyd G Adu Amoah (2010, September). "Media Freedom and Political Stability in Sub-Saharan Africa: A Panel Data Study". **Journal of Economic Development, Management, IT, Finance and Marketing**, 2(2), 41-67.
- Banks, Arthur S (2011). **Databanks International**. Retrieved from Cross-National Time-Series Data Archive: <http://www.databanksinternational.com>
- Banks, Arthur S (2011). **Cross-National Time-Series Data Archive**. Jerusalem (Israel): Databanks Internation.
- Blanco, Luisa & Grier, Robin (2009, January). "Long Live Democracy: The Determinants of Political Instability in Latin America". **Journal of Development Studies**, 45(1), 76-95.

- Blatter, Joachim k, and Till Blume. (2008). "In Search of Co-Variance, Causal Mechanisms or Congruence? Towards A Plural Understanding of Case Studies". **Swiss Political Science Review**, Vol 14, Issue 2, 315-356.
- Brandt, Patrick T, and Jey Ulfelder (2010). **Economic Growth and Political Instability**. Dallas: **Political Instability Task Force**.
- Carment, David (2010). **Indicators of State Failure**. Canada Ministry of **National Defence**. Toronto: Defence R&D Canada.
- Cingranelli, David L. & Richards, David L. (2011). **CIRI Human Rights Data Project**. Retrieved from The CIRI Human Rights Dataset: <http://www.humanrightsdata.org/>
- Dreher, Axel (2012). **KOF Index of Globalization**. Retrieved from Globalization Index: <http://www.globalization-index.org/>
- Esty, Daniel C, Jack A Goldstone, Ted Robert Gurr, Pamela T Surko, and Alan N Unger (1995). **Working Papers: State Failure Task Force Report**. McLean: Science Applications International Corporation.
- Heritage Foundation. (2012). **Index of Economic Freedom**. Retrieved from Heritage Foundation: www.heritage.org
- John, Jonathan Di (2005). "Economic Liberalization, Political Instability, and State Capacity in Venezuela". **International Political Science Review**, 26(1), 107–124.
- Kaufmann, Daniel, Aart Kraay, and Massimo Mastruzzi (2012). **Governance & Anti-Corruption**. Retrieved from Worldwide Governance Indicators: <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/wgidataset.xls>
- Marshall, Monty G (2008). **Fragility, Instability and the Failure of state**. Newyork: carnegie corporation.
- Marshall, Monty G, and Benjamin R Cole (2011). **Conflict, Governance, and State Fragility**. Vienna: Center for Systemic Peace.
- Pal, Sudeshna (2011). "Media Freedom and Socio-Political Instability". **Peace Economics, Peace Science and Public Policy**, 17(1), 1-21.
- Ragin, Charles C (2008). **Redesigning Social Inquiry: Fuzzy Sets and Beyond**. Chicago, USA: The University of Chicago Press.
- Ragin, Charles C (2009). **Qualitative Camparative Analysis Using Fuzzy Sets (fsQCA)**. In B. Rihoux, & C. C. Ragin, **Configurational Comparative Methods: Qualitative Camparative Analysis and Related Techniques** (pp. 87-121). Los Angeles: SAGE Publications.
- Ragin, Charles C, Kriss A Drass, and Davey Sean (2008). **Fuzzy-Set/Qualitative Comparative Analysis 2.0**. Department of Sociology. Tucson, Arizona: University of Arizona.
- Rice, Susan E, and Stewart Patrick (2008). **Index of State Weakness in the Developing World**. **Global Economy and Development**. Washington DC: The Brookings Institution.
- Rihoux, Benoit, and Charles C Ragin (2009). **Why Compare? Why Configurational Comparative Methods?** In B. Rihoux, & C. C. Ragin, **Configurational Comparative Methods: Qualitative Camparative Analysis and Related Techniques** (pp. xvii-xxv). Los Angeles: SAGE Publications.

- The Fund for Peace. (2011). **Conflict Assessment Indicators**. Washington D.C.: The Fund for Peace Publication.
- Vaugirard, Victor (2007). “**Bank bailouts and political instability**”. *European Journal of Political Economy*, 23, 821–837.
- United Nations. (2010). **World Marriage Data**. Retrieved from Department of Economic and Social Affairs, Population Division: www.UNSD.org
- United Nations. (2011). **World Population Prospects**. Retrieved from Department of Economic and Social Affairs, Population Division: <http://esa.un.org/unpd/wpp/Excel-Data/population.htm>
- United States Department of State. (2012). **Trafficking in People Report**. Retrieved from Foreign affairs department of the United States Government: www.state.gov
- Alesina, A., Devleeschauwer, A., Easterly, W., & Kurlat, S. (2003, June). “Fractionalization”. *Journal of Economic Growth*, 8(2), 155-194.
- Woodside, Arch G (2010). **Case Study Research: Theory, Methods, Practice**. Bingley: Emerald.
- World Bank. (2012). **World Development Indicators**. Retrieved from The World Bank Data Catalog: <http://data.worldbank.org>
- Xu, TianQi (2011). **The determinants of political instability: a regression analysis**. Departments of Political Science & Economics. Marietta, Ohio: Marietta College.

